

۲۵ - پیدایش عالم بقوه جذبیّه و اصلیه محبت و بیان نظر تصوّف و نقطه اشتباه آن

از حضرت عبدالجبار در رساله شرح حدیث کنت کنزا در بیان عقیده تصوّف و تعدیل آن است. **قوله العزیز:** "اسماء و صفات ثبوتیه ذاتیه از ذات حقّ در هیچ رتبه سلب نگردد و لکن در آن مقام اسماء و صفات از یکدیگر منفصل نه و هم از آن ذات بی جهت ممتاز نیستند و حقائق شئونات الهیه بعضی از بعضی و از آن ذات غیر متعیّن ممتاز و تفصیل نگردیده نه علما و نه عینا... بلکه اعیان و حقائق و ماهیات اشیاء در این رتبه عزّ احدیه شئوناتی هستند مر ذات را بدون شائبه غیریت از کمال وحدت و فناء و ذات احدیت را در این رتبه اکبر که میفرماید کان الله و لم یکن معه من شیئی بکنز المخفی و غیب الهویه و صرف الاحدیه و ذات بحت و لا تعیین صرف و غیب الغیوب و غیب الاول و مجهول المطلق و مجهول النعت و منقطع الوجدانی و سائر اسماء دیگر تعبیر نموده اند... مثلا در نقطه ملاحظه نمائید و بحروفات و کلمات که چگونه در هویت و حقیقت نقطه در کمال محو و فنا مطوی و مکنون اند بقسمی که بهیچ وجه آثار وجود از حروف و کلمات مشهود نیست و از یکدیگر امتیازی در میان نه بلکه محو صرف و فانی بحت اند و وجودی جز ذات نقطه موجود نه همچنین اسماء و صفات الهیه و شئونات ذاتیه احدیه فانی صرف و محو بحت اند بقسمی که نه رائحه وجود عینی استشمام نمودند و نه علمی و همچنین در احد ملاحظه فرمائید که جمیع اعداد از ظاهر و خود داخل در عدد نیست."

و قوله العزیز: "چون در غیب هویه حرکت حبیبه و میل ذاتی کمال جلاء و استجلاء اقتضاء نمود و کمال جلاء در نزد بعضی از عارفین ظهور حقّ است سبحانه بنفس خود بصور اعیان و استجلاء مشاهده جمال مطلق است تجلیات جمال خویشتن را در مریاء حقائق و اعیان لهذا شئونات ذاتیه بواسطه فیض اقدس از مرتبه ذات در مرتبه حضرت علم ظاهر گشته و این اول ظهور حقّ است از کنز مخفی در حضرت علم و از این ظهور اعیان ثابته بوجود علمی موجود شدند و هرکدام علی ما هو علیه در مراتب علم الهی از هم ممتاز گشتند. و این مرتبه ثانیه مرتب است بر مرتبه اولیه که غیب احدیه است و این مرتبه را غیب ثانی و واحدیت و مرتبه اعیان ثابته تعبیر مینمایند و اعیان ثابته صور علمیه الهیه هستند که رائحه وجود استشمام نمودند و لکن بوجود علمی موجود شدند و از هم ممتاز گشته اند و این مرتبه ثانویه نیز بکنز مخفی تعبیر گردد زیرا که اعیان و حقائق که معلومات حقّ اند در مراتب علم نیز بکمال خفا و بساطت و وحدت در ذات مندرج و مندمج اند و لکن بعضی از عارفین رموز غیبیه و واقفین اسرار خفیه الهیه که چشم از حدودات تشبیه و تمثیل عوالم کثرت بردوختند و حجیات نورانیّه را بنار موقده ربانیّه بسوختند و ببصر حدید و نظر دقیق و در مقامات توحید ملاحظه نمودند جمیع اعیان و ماهیات و حقائق و قابلیات را از ساحت قدس حضرت علم که عین ذات حقّ است بعید دانند... عشق و محبتی که در ذات حقّ قبل از ظهور شئونات ذاتیه از مرتبه احدیت در مرتبه اعیان علم افراخته و غیب هویه بجمال خود در نفس خود نرد محبت باخته که مبدء جمیع عشقها و شوقها و سرمایه همه محبتها و شورها شد آن عشق و محبت عین ذات حقّ بوده... بعضی از عارفین که بسموات معانی عروج نموده اند اعیان و حقایق و قابلیات را قدیم و غیر مجعول دانند و بعضی دیگر از واردین شریعه علم و حکمت ماهیات و حقائق را مجعول و مخلوق و حادث شمرند... خلاصه مطلب آنکه بعضی از اولیاء چون تشعشع

انوار جمال باقی را در علو تنزیه و رفرف تقدیس بچشم باقی ملاحظه نمایند لهذا از شئون کُلّ عوالم ذات احدیه را تسبیح و تقدیس نمایند زیرا در کینونت این هیاکل صمدانی اسماء تقدیس و تنزیه تجلی نموده و بعضی از عارفین اسرار خفیه مظاهر اسماء الوهیت و ربوبیت اند. این است که در این مقام انوار جمال ربّ الارباب را بی وجود مربوب و خالق را بدون مخلوق و علیم را بی معلوم مشاهده نمایند و اما بعضی از واقفین رموز الهیه ... آن ذات احدیه را قدیم بالذات و الصّفات مشاهده نمایند لکن منزه از وجود معلومات و حقائق موجودات ... ماسوی الله را معدوم صرف ... و در مقامی که مقام تجلیات اسم علیم و اسماء الوهیت و ربوبیت است حقائق اشیاء را نیز قدیم شمرند و علم را تابع معلومات ملاحظه نمایند."